

یاد و نام شاهرخ زمانی ماندگار است!

مجید پهلوان

www.MajidPahlavan.com

زندانی سیاسی که اتهامش تنها تلاش برای متشکل کردن کارگران بود را رژیم اسلامی محافظ حرم سرمایه به قتل رساند. او را در حالیکه بر اثر اعتصاب غذای مداوم ۲۲ کیلوگرم از وزن بدن خود را از دست داده بود از گوهردشت راهی بند قانلین خطرناک قزل حصار نمودند. چند نفری کتکش زدند و با شکستن عینکش وی را از خواندن محروم! در این میان اما که نامه وی به کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل خشم رژیم بقول شاهرخ "ثروت و جنایت" را بر انگیخت و کمر به قتل او بستند. رژیم اگر چه در پاسخ اعتراضات بین المللی و سازمانهایی چون عفو بین الملل و پس از کشتن شاهرخ، قول داد تا هیئتی مستقل را برای پژوهش در چگونگی مرگ شاهرخ تشکیل دهد و قول کالبد شکافی و بررسی کارشناسانه داد ولی به مرور زمان، تروریستها همه چیز را فراموش نمودند! رژیم ثابت کرد که منظورش از امنیت ملی همان عدم امنیت مردم و نقض مداوم حقوق آنها و تشکیل جوخه های اعدام و ترور و حذف مخالفین خود است. که منظور رژیم بربریت از امنیت ملی همان امنیت سرمایه و مناسباتش است که از سوی امپریالیستها و همدستان داخلی آنها، مسولیت دارند تا شاهرخها را نابودکنند.

خبر رسانی و یادهای مستمر از شاهرخها اجازه نمیدهد تا فراموشی به کمک رژیم آمده و این جنایات فراموش شود. شاهرخ را برای آخرین بار شش سال پیش دستگیر و به یازده سال زندان محکوم نمودند. او اما که مبارزه را به داخل زندان کشاند و مقالات برجسته او و بویژه نامه اش به کمیساریای ملل متحد یک ادعاینامه تمام عیار علیه رژیم بود. شاهرخ در پی پژوهشها و تولید مطالب نظری به دنبال علل عدم رشد کیفی درون طبقه و تحلیل یافتن راه کارهای عملی برای ایجاد همبستگی در جنبش بود. او جدا به همبستگی جنبش طبقه کارگر، با سایر جنبشهای مطرح، معتقد و تلاشگر در این زمینه بود. حضور صدها مبارز کارگری، دانشجویی، معلمان و سالمندان و ... مقابل ساختمان وزارت کار در روز دوشنبه سوم

دو سال از جان فشانی شاهرخ زمانی در زندان حکومت بربریت گذشت. مبارز کارگری و انسانی بواقع پژوهنده و ستیزه جو را حکومت تروریستی یارای تحمل نداشت و ادامه زندگیش را مخمل آسایش و امنیت " غارت و سرمایه" میدانست. شاهرخ را همبندانش در ساعت پنج پس از نیمروز ۱۳ سپتامبر سال ۹۴ (۲۰۱۵ میلادی) در حالیکه دهانش غرق در خون و آثار کبودی برگردنش بود، بی جان در سلول یافتند. شاهرخ که بواقع در ادبیات سیاسی و مسائل جنبش کارگری و آزادی خواهانه صاحب سخن و قلم شده بود نوشته های او میگوید که شاهرخ یک سوسیالیست شش دانگ و یک انقلابی پژوهنده و اندیشه پرداز بود که رژیم در چهره اش رهبری روشن بین و ژرف اندیش را در آینده ارزیابی نمود و لذا به اتهام بر هم زدن امنیت ملی او را به مسلخ کشید. همان شاهرخ که رژیم تدریجا عرصه را در زندان چنان بر وی تنگ نمود که سبب اعتصاب غذای ۴۶ روزه او شد. که رژیم کمر به قتل او بسته بود و چنین هم نمود.

شاهرخ متولد سال ۱۳۴۲ و بچه تبریز بود. تنها اتهامش عشق به مردمش و تلاش در جهت متشکل نمودن کارگران رنگ کار و رنگرز بود. او در سال ۱۳۷۲ دستگیر شد و فعالیت های انقلابی شاهرخ خاری بر چشم ارباب سرمایه و نمایندگان سیاسی آن بود و پس از آزادی هم دست از اذیت و آزار او هم بر نداشتند. او دست پرورده مادری مبارز و پدری دلسوز بود. شاهرخ همواره بر سر پیمانی که با رفقا و استادانش چون مادر و امثال رفیق چنگیز بسته بود پایدار ماند. شاهرخ کارگری آگاه و نظریه پرداز بود که سریع مدارج قوام گرفتن اندیشه سیاسی را می پیمود. او در عمل خط بطلانی به نظریه ای کشید که باور دارد که اندیشه و ابتکار عمل سوسیالیستی توسط روشنفکران به درون طبقه کارگر میاید! شاهرخ کارگری آگاه و نوشته های او میگوید که مسائلی چون ساختمان سوسیالیسم، نظریه های آنارشیستی، سندیکالیستی و آثار کوسندیکالیستی را میداند. تدریجا از نظرات دیکته شده کمینترن فاصله می گرفت و نشان داد که کارگران در حوزه نظری سترون نیستند. رژیم آگاه از این همه توانایی انقلابی در عمل و تئوری کمر به قتل او بست.

آزار و اذیت قرار میگیرند و این نام‌ها تنها کسانی هستند که در چهارچوب موسساتی عمومی تلاش کرده‌اند و گرنه زندانهای ایران مملو است از مبارزین گمنام! شاهرخ به لحاظ تئوریک در حال رشد سریع بود و شاهرخ‌ها در داخل و خارج مرزهای ایران حضور دارند و طلایه دار روزهای روشن. تلاش شاهرخ در ایجاد همبستگی بین احاد تشکیلات کارگری و پیوند آنها با سایر جنبش‌های مطرح برای ایجاد زمینه رهبری کل جنبش آزادی خواهانه رشک برانگیز و قابل ستایش بود و ترس رژیم نیز همینجا و همین نکته بود.

مهر ماه برای آزادی رضا شهابی، خبر از پاسخ به این امر است او در مسیر قوام فکری و نظری بود و میتواند در آینده رهبری تیزبین برای کارگران باشد، شاهرخ ولی چه آسان از کف ما و هم‌زمان و جنبش رفت. همینجا گرم‌ترین درودها را نثار خانواده محترم می‌کنم. که شاهرخ در کارهایش و مبارزاتش زنده است ولی دریغ و داغی است که بر دل ما مانده. کارهایش میگوید که شاهرخ اشراف کافی از مسایلی مبرم چون اقتصاد بازار، اجتماعی شدن تولید حتی در میان انحصارات و شیوه‌های جدید استثمار داشت ولی گویا بهترین اثرش بقول صمد، زندگیش بود!

جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از تجارب فاشیست‌ها چون رژیم فرانکو در اسپانیا و سپس رژیم‌های کودتایی ترکیه میدانند که کشتن و ترور مبارزین در خارج زندان دردسرساز است و به همین جهت با زندانی کردن فعالین انقلابی آنها را زجرکش میکنند کمال اوردن در کودتای ۱۹۸۰ ترکیه چنین نمود بهنام ابراهیم زاده‌ها و واله زمانی‌ها و شهابی‌ها در این مسیر مورد